فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ٤، بهار١٤٠٢، صفحات٣٤-٩

مقاله پژوهشی

مطالعهٔ جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های محیط زیستی (مورد مطالعه: شهرستان‌های بانه و مریوان)

یزدان اعظمی[1]؛ خلیل میرزایی[2]؛ باقر ساروخانی[3]؛ بهمن باینگانی [4]

تاریخ دریافت: ١٤٠١/١٠/٢٣ تاریخ پذیرش: ١٤٠٢/٠٢/٢٨

چکیده

رابطهٔ انسان با محیط زیست، همواره در حال تغییر و تحول است. انسان‌ها با ورود به عصر صنعت و مدرنیته، سبک زندگی خود را براساس عقلانیت ابزاری تغییر داده‌اند و با تصمیم‌گیری‌های خودخواهانه و یک‌جانبه، بحران‌های زیست محیطی فراوانی را به وجود آورده‌اند که نگرانی و تشویش عموم مردم در جوامع مختلف را به خود جلب کرده است و مسألهٔ محیط زیستی به مسئله‌ای جهانی و اجتماعی مبدل شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فعالیت‌های محیط زیستی انجام شده است. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع پیمایش بوده است. جامعهٔ آماری شامل کلیهٔ فعالان محیط زیست در دو شهرستان مریوان و بانه می‌باشد که ۳۸۵ نفر از طریق فرمول آماری کوکران و به شیوهٔ نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌ای متناسب با حجم، جهت گردآوری اطلاعات انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساختهٔ مبتنی بر بخش کیفی این تحقیق می‌باشد و نرم افزار تجزیه و تحلیل اطلاعات نرم افزار SPSS است. نتایج حاصل از آزمون همبستگی r پیرسون نشان داد که همبستگی بین تمامی متغیرهای مستقل پژوهش شامل نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر سیاسی، نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ، امر زیبایی شناختی، نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر اقتصادی،

١. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. y.aazami@gmail.com

٢. عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول). Mirzaeikhalilr@yahoo.com

٣. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. b.saroukhani@yahoo.com

٤. استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه آموزشی علوم اجتماعی و سیاسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. bahman.bayangani@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر مذهبی و نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر بهداشتی، با متغیر فعالیت محیط زیستی در سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ از نظر آماری مورد تأیید واقع شد. همچنین، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی چند متغیر حاکی از آن است که متغیرهای مستقل حاضر در مدل رگرسیونی، توانسته‌اند ٦٥/٤ درصد از تغییرات متغیر فعالیت‌های محیط زیستی را تبیین و پیش‌بینی نمایند. در این میان، متغیر فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی‌شناختی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است.

واژه‌های کلیدی: فعالیت محیط زیستی؛ نگرش زیبایی‌شناختی؛ نگرش سیاسی؛ نگرش مذهبی؛ محیط زیست.

مقدمه و بیان مسأله

بشر از میلیون‌ها سال پیش تا کنون بر روی کرهٔ زمین می‌زیسته است و همواره در ارتباط و کنش متقابل با محیط اطراف، حیوانات و انسان‌های دیگر بوده است. انسان‌ها تصور می‌کنند که با پیشرفت علم، فناوری و تسلط بر طبیعت، این پیوند را از میان برداشته‌اند و زندگی‌ای مستقل از تأثیر و تأثرات محیط زیست دارند، اما متوجه نیستند که پیوند میان بشر و محیط زیست ناگسستنی است و با تخریب هر چه بیشتر این موهبت الهی در واقع تیشه به ریشهٔ خود می‌زنند و موجودیت بشر را نیز به مخاطره می‌اندازند. مسألهٔ محیط زیست را نمی‌توان به مرزهای ملی و منافع منطقه‌ای تقلیل داد؛ چرا که محیط زیست، اکوسیستمی جهانی است و زندگی تمام بشر را در برمی‌گیرد. در گذشته میزان تسلط انسان بر محیط زیست کمتر بوده است، ولی امروزه با افزایش جمعیت انسان‌ها، روند رو به رشد شهرنشینی و انقلاب صنعتی، شاهد افزایش تعداد کارخانجات و استفاده بی‌رویه از سوخت‌های فسیلی، پیشرفت تکنولوژی، بالا رفتن سطح زندگی و افزایش تقاضای مردم، استفاده از ظروف یک بار مصرف و پسماند زباله به شیوه‌های نادرست هستیم که همگی در نتیجهٔ رفتارهای محیطی انسان به وجود آمده است و همین امر بحران‌های محیط زیستی مخربی را به همراه آورده است (صالحی و امام‌قلی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). اهمیت این تهدیدات و بحران‌های محیط زیستی مانند باران‌های اسیدی، گرم شدن کرهٔ زمین، نازک شدن لایهٔ اوزن، تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، جنگل‌زدایی و... به قدری است که امروزه در کنار بحران‌های صنعتی و سیاسی، تیتر اول اخبار و تحلیل‌های اجتماعی به بحران‌های زیست محیطی ناشی از اعمال و کنش انسان‌ها اختصاص یافته است و حساسیت شدید مردم جهان به این امر، حتی سیاست‌مداران و حکام جوامع مختلف را نیز به فکر یافتن راه حل‌های رفع بحران و برنامه‌ریزی‌هایی در جهت حفظ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

محیط زیست سوق داده است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). مسألهٔ محیط زیست فقط مربوط به تکریم طبیعت یا طبیعت‌دوستی نیست؛ بلکه مسألهٔ اصلی، چالش با سیاست‌های اقلیمی، بهره‌برداری از منابع معدنی و جنگلی، برنامه‌ریزی‌های بهره‌برداری از آب و خاک و پسماندها است (تقی زادگان، ۱٤۰۰: ۱۲۲).

استفادهٔ مطلوب از محیط زیست در جامعه می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامت آن جامعه باشد و عدم توجه به آن می‌تواند متضمن مسائلی باشد که مجموعه برنامه‌های توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور را با مخاطره روبه‌رو می‌سازد. می‌توان محیط زیست طبیعی، وضعیت، حالت، منظره‌ها و چشم اندازهای کنونی را تجسمی از فرهنگ، آداب و رسوم ساکنان سرزمین‌ها به شمار آورد. این بدان معنا است که هرنوع کاستی یا آلایشی در این محیط نیز تجسمی از زشتی و کاستی در فرهنگ و آداب و رسوم آن جامعه است (اربابی سبزواری و ترابی گودرزی، ۱٤۰۲:۱). همچنین، وضعیت محیط‌زیست در هر جامعه‌ای برآیندی از تاثیرگذاری تصمیمات و تعاملات دولت‌ها، بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های مردم نهاد زیست‌محیطی، توده‌های مردم و مجامع علمی است و انسان‌ها در تغییر شکل و ماهیت محیط زیست، نقش اساسی و کلیدی دارند و بحران‌ها و مشکلات زیستی که امروزه مورد توجه بشر قرار گرفته است، به دور از اراده و دست‌کاری انسان نیست (سلیمان پورعمران و همکاران، ۱۳۹٦: ٤٤). در واقع انسان‌ها با زیاده خواهی و تصرف بیش از حد در محیط، باعث به وجود آمدن مشکلات و بحران‌های محیط زیستی در دوران مختلف شده‌اند که رفع این مشکل و گذر از این بحران‌ها نیز به رفتارهای محیط زیستی انسان‌ها بستگی دارد. رفتار محیط زیستی را می‌توان نوعی رابطهٔ انسان و محیط زیست دانست و رفتاری است که انسان در برخورد با محیط زیست از خود بروز می‌دهد. جامعه‌شناسان محیط زیستی معتقدند علاوه بر اینکه رفتارها و کنش‌های زیست محیطی افراد بر بحران‌ها و مسائل محیط تأثیر می‌گذارد، خود نیز از عوامل مختلفی تأثیر می‌گیرند. بحران‌های محیط زیستی در واقع به دلیل عدم آگاهی انسان‌ها به وجود آمده‌اند. اما ایجاد آگاهی نیز به تنهایی مثمر ثمر نخواهد بود و تأثیری بر روند بهبود وضعیت محیط زیست نخواهد داشت. آگاهی، زمانی تأثیرگذار است که منجر به فعالیت و کنش مسؤولان، انسان‌ها شود (صالحی و امامقلی،۱۳۹۰: ۱۲۵). در این میان، عوامل سیاسی، اقتصادی، بهداشتی، زیبایی‌شناختی و مذهبی بر فعالیت‌های محیط زیستی افراد تاثیر به‌سزایی دارند.

نگرش به محیط زیست به مثابهٔ امری سیاسی و بررسی تأثیر عوامل سیاسی و دولت‌محور بر رفتارهای محیط زیستی، سنتی‌ترین نظریه در زمینهٔ ارتباط دولت و محیط زیست است که مبتنی بر اعمال نظارت‌های شدید بر اشخاص و بازیگران غیر دولتی است. به نوعی که دولت‌ها و سیاست-

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

گذاران می‌توانند گامی بزرگ در جهت تغییر و بهبود رفتار و فعالیت‌های محیط زیستی بردارند (شاهنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱)؛ چرا که دولت با در اختیار داشتن رسانه‌های ملی همچون رادیو و تلویزیون، به‌عنوان منبع اصلی اطلاعات، این قابلیت را دارند که پندار و باور افراد را دربارهٔ جهان پیرامون خود تغییر دهند و آن‌ها را به سمت فعالیت‌های مثبت محیط زیستی هدایت کنند. اهمیت پوشش رسانه‌ای در مسأله‌سازی محیط زیست آن چنان زیاد است که برخی از محققان معتقدند در مرحلهٔ گذار مشکلات محیط زیست از حالت عادی به یک مسأله و نگرانی سیاسی، قابلیت دید رسانه‌ای نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند (صالحی و امامقلی ۱۳۹۸: ۲). از طرف دیگر، تغییر کنش افراد و افزایش فعالیت‌های محیط زیستی و گرایش افراد به حفظ محیط زیست، ریشه در فرهنگ و باور هر جامعه دارد. تغییر نگرش، تغییر رفتار فردی و سپس تغییر رفتار گروهی را به دنبال دارد که در این راستا باورهای مذهبی نقش به‌سزایی در تغییر و اصلاح نگرش افراد جامعه ایفا می‌کنند، به نوعی که مسلمانان با توجه به باورهای مذهبی دین اسلام معتقدند انسان‌ها صاحب زمین نیستند و سلطهٔ انسان بر زمین، هیچ‌گاه مطلق نبوده است؛ بلکه انسان به‌عنوان موجودی که از قو، عقل و اختیار برخوردار است و اشرف مخلوقات شناخته می‌شود، وظیفهٔ مراقبت از سایر مخلوقات به او واگذار شده است و انسان‌ها باید همان‌گونه که خواست خداوند متعال است، به‌طور مقدس و خردمندانه رفتار کنند؛ به‌طوری که به ضرر انسان و محیط زیست نباشد (سلیمان پورعمران و همکاران، ۱۳۹٦: ٤٦).

از طرفی، فعالیت‌های محیط زیستی ارتباط عمیق و پیوسته‌ای با سلامت و حفظ حیات بشر دارد. به نحوی که آلودگی محیط شهری سبب انواع بیماری‌های سرطان‌زا در افراد می‌شود و مواد شیمیایی حاصل از کارخانه‌های صنعتی و فاضلاب‌های شهری درون منابع آب نفوذ کرده است و به سفره‌های آب زیرزمینی وارد می‌شود که این امر، آب آشامیدنی و مواد خوراکی حاصل از کشاورزی انسان‌ها را آلوده می‌کند و انسان‌ها را با بیماری‌های مختلفی روبه‌رو می‌سازد. آلودگی ناشی از پساب‌ها و فاضلاب صنعتی کارخانجات شامل فلزات سنگین طی زنجیره‌های غذایی انباشه می‌شود و جان گیاهان، حیوانات و حتی انسان‌های زیادی را به خطر می‌اندازد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). در عین حال با افزایش تعداد خودرو و وسایل حمل و نقل شهری، ماشین آلات و تجهیزات صنعتی، آلودگی هوا و اشاعهٔ گازهای سمی بیش‌تر می‌شود و عفونت‌های شدید تنفسی، آلرژی، بیماری‌های مزمن تنفسی و سرطان ریه را برای انسان به همراه دارد (وحیدا و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۱٤).

باید خاطر نشان کرد که مسألهٔ محیط زیست فقط مربوط به زمان حال نمی‌شود و بر آینده نیز اثرگذار است. میزان اهمیت این موضوع به قدری است که جوامع برای حل بحران‌های زیست

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

محیطی قوانین مختلفی را تدوین و اجرا می‌کنند که در اصل پنجاهم قانون اساسی نیز به این موضوع اشاره شده است «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفهٔ عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». از طرفی دولت با تشویق بخش خصوصی و حمایت‌های مختلف مالی و معنوی از سازمان‌های مردم نهاد محیط زیست می‌تواند در افزایش فعالیت‌های محیط زیستی نقش داشته باشد (مخدوم فرخنده، ۱۳۹۲: ٤٠). در این میان، مطابق آخرین آماری که توسط سازمان حفاظت از محیط زیست کشور اعلام شده است، در مجموع ۷٦۰ نهاد غیردولتی با موضوع محیط زیست در کشور به ثبت رسیده است که تحت نظارت وزارت کشور، استانداری‌ها، فرمانداری‌ها یا وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سطح ملی و استانی با زحمت و سخت‌کوشی فعالیت می‌کنند (اسدی و حسن‌نیا بدرآباد، ۱٤۰۰: ۲). همچنین به دلیل اساسی بودن نقش انسان در شکل‌گیری و رفع بحران‌های زیست محیطی و جهانی بودن این مسأله در میان بشر، دانش جامعه‌شناسی از مهم‌ترین نقش در تحلیل این مسائل و پاسخ گفتن به آن‌ها برخوردار است و می‌تواند نشان دهد چگونه می‌توان با این مشکلات روبه‌رو شد، زیرا این مسائل در بنیان «مشکلاتی اجتماعی» هستند که «ریشه در رفتار انسان اجتماعی و فرآیندهای حاکم بر زندگی اجتماعی وی دارند». این مسائل نه تنها ریشه در رفتار اجتماعی انسان‌ها و نظم حیات اجتماعی آن‌ها دارند، بلکه بیشترین تأثیر این مشکلات نیز به زندگی اجتماعی انسان باز می‌گردد. به همین دلیل نیاز به بررسی‌های جامعه‌شناختی در این خصوص حس می‌شود.

نگاهی به آمارهای موجود نیز لزوم پرداختن به این موضوع را آشکارتر می‌سازد. در ایران از زمان شکل‌گیری دولت مدرن و به‌طور خاص از زمان پهلوی دوم و شروع اصلاحات ارضی در دههٔ چهل، وضعیت محیط‌زیست دست‌خوش تحولات اساسی شد و در زمینهٔ بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و استفادهٔ بیش از حد از سوخت‌های فسیلی و ساخت سدها شاهد بروز بحران‌های محیط زیستی در جامعه هستیم (زائری و محمدی، ۱۳۹۹: ۱۰۷)، به نوعی که ایران در پی اجرای طرح‌های توسعه‌ای در طی ۳۰ سال اخیر به نحو بی‌سابقه‌ای با بحران روبه‌رو است. جمعیت آن بیش از ۲ برابر، تعداد دام در مراتع ۳ برابر، تخریب پوشش جنگلی به ۳۳ درصد رسیده است، فرسایش خاک ۲/۵ برابر و مصرف آب ۲ برابر شده است (سلیمان پورعمران و همکاران، ۱۳۹٦: ٤٤). به لحاظ رتبهٔ جهانی نیز ایران از نظر شاخص عملکرد محیط‌زیست در سال ۲۰۱۲ بین ۱۳۲ کشور جهان، ۱۱٤ اعلام شده است. این در حالی است که رتبهٔ محیط‌زیستی ایران در سال ۲۰۰٦، ۵۳ بوده و در سال ۲۰۰۸، ٦۷ بود و در سال ۲۰۱۰، ۷۸ بوده است. نزول ۳٦ پله‌ای این رتبه نشان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

از افزایش تخریب‌ها و آلودگی‌های محیط‌زیستی دارد (مخدوم فرخنده، ۱۳۹۲: ٤۱). در این میان براساس آخرین آمار و اطلاعات دسترس در استان کردستان، تعداد ۳٦ سازمان مردم نهاد در حوزهٔ محیط زیست ثبت شده است. طبق آمارهایی که انجمن سیزچیا منتشر کرده است، در سال ۱۳۸۹ نزدیک به ۹۰۰ مورد آتش‌سوزی فقط در جنگل‌های مریوان و سروآباد داشته‌ایم. همچنین دریاچهٔ زریوار بزرگ‌ترین چشمهٔ آب شیرین جهان که گونه‌های مختلف پرندگان، پستانداران و خزندگان را در دامان خود پناه داده است، امروزه در وضعیت نامساعدی به سر می‌برد. طی گفت‌وگوی خبرگزاری مهر با کارشناس محیط زیست مریوان در اشاره با این موضوع مشخص شد که احداث سد خاکی در قسمت جنوبی دریاچه، ورود رسوبات و شن‌های جاری و ورود فاضلاب‌های انسانی و مواد زائد جامد روستاهای حاشیهٔ تالاب به دریاچه از جمله مشکلات زیست محیطی این شهر است (خبرگزاری مهر). دو شهر بانه و مریوان به علت کوهستانی بودن، پوشش گیاهی و جنگلی متناسب با محیط طبیعی و از طرفی مرزی بودن از اهمیت محیط زیستی فراوانی برخوردار است، اما پژوهش‌های کافی در این خصوص صورت نگرفته است و شاهد خلاء پژوهشی در این‌باره هستیم. در این راستا پژوهش حاضر نیز با هدف پاسخ‌گویی به این سؤال اساسی که کدام عوامل جامعه‌شناختی بر فعالیت‌های محیط زیستی در بین فعالان محیط زیست تاثیرگذار است، انجام شده است.

پیشینهٔ تجربی

نتایج تحقیق دری و همکاران (۱٤۰۱)، با عنوان «بررسی رفتارهای محیط زیستی با تأکید بر سواد زیست محیطی (نمونهٔ مورد مطالعه: شهر مشهد)»، به شیوهٔ پیمایش نشان دادند که سواد محیط‌زیستی جامعهٔ مورد مطالعه، در ابعاد آگاهی و دانش در سطح بالایی است، درحالی‌که در ابعاد دغدغه و رفتار محیط‌زیستی، نمرهٔ پاسخگویان تنها اندکی از حد متوسط بالاتر می‌باشد. همچنین میان سواد محیط‌زیستی در همهٔ ابعاد آن با متغیر تحصیلات، رابطهٔ معنادار و مستقیمی وجود دارد. رفتار محیط زیستی جمعی مردان بیش از زنان است ، اما رفتار فردی محیط زیست در میان زنان بیش از مردان است. در نهایت، بین متغیرهای آگاهی، دانش و دغدغهٔ محیط‌زیستی با رفتار محیط‌زیستی، رابطهٔ معنادار و مثبت برقرار بوده است.

پژوهشی توسط قلی‌زاده و همکاران (۱٤۰۰) با عنوان «تمایل به مشارکت در حفاظت از محیط زیست و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی متولد دههٔ ۸۰ و دههٔ ۵۰)» به روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه انجام شده است. نتایج حاکی از آن است که مشارکت محیط زیستی، متأثر از دانش محیط زیستی، اخلاق محیط زیستی، نوع نگرش به زیست محیط و آموزش

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

رسانه‌ای است و بیش‌ترین تأثیر مربوط به دانش زیست محیطی است و میزان تمایل به همکاری در میان شهروندان دههٔ ۵۰ بیشتر بوده است.

زائری و محمدی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمان فرهنگ محیط زیستی در ایران» بر این مبنای نظری پژوهش خود را آغاز کرده‌اند که تعامل انسان با محیط زیست در ایران به هزاران سال قبل بر می‌گردد، اما بحران محیط زیست، پدیدهٔ بسیار متأخری است که محصول بی‌توجهی انسان به ظرفیت محیط زیست بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که اگرچه گفتمان محیط زیست‌گرایی دارای تاریخی طولانی است، اما مدرن بودن بحران محیط زیست که به‌طور مشخص از زمان پهلوی دوم آغاز شده است و پیامدهای توسعه و سیاست‌های توسعه‌ای از سمت دولت سبب شده است که این گفتمان از اهمیت بیش‌تری برخوردار باشد.

صالحی و امامقلی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «رسانه، فرهنگ و رفتارهای محیط زیستی (مطالعهٔ موردی: شهروندان سنندج)»، به روش کمی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق بیان‌گر آن است که میزان مصرف رسانه‌ای بر نگرش، ارزش و رفتار محیط زیستی تأثیر دارد. با این اوصاف، مصرف رسانه‌ای بر دغدغه‌ها و آگاهی محیط زیستی تأثیری ندارد. به نظر می‌رسد صدا و سیما با کمبود کارشناسان و متخصصانی روبه‌رو است که بتوانند مشکلات محیط زیستی را به "گونه‌ای دیگر" عرضه کنند. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد برنامه‌ها به‌نوعی، به‌صورت مستقیم و خام به مسائل محیط زیستی پرداخته‌اند و کمتر به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته شده است. این مشکل در جامعه‌شناسی محیط زیست تحت عنوان "حادثه-محوری" شناسایی شده است.

فائقی و نوابخش (۱۳۹۶)، در پژوهشی به "برساخت معنایی پیامدهای فرهنگی کم‌آبی و خشک‌سالی زاینده رود (با تأکید بر هویت فرهنگی شهروندان اصفهانی)"با رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی پرداخته‌اند. یافته‌ها بیانگر آن است که کم‌آبی و خشکسالی زاینده رود، هویت فرهنگی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده است؛ شهروندان خشکسالی و کم آبی را علت اساسی تخریب تمدن و زیست بوم فرهنگی شهر تاریخی اصفهان قلمداد نموده‌اند و بر این باورند که عنصر آب در این شهر نقش مهمی در ایجاد و ارتقاء هویت فرهنگی‌شان داشته است و در ارتقاء کیفیت کالبدی شهر و هویت شهری نیز اثربخش است.

حبیبی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «سنجش عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر رفتارهای محیط زیستی شهروندان شهر نور» مبتنی بر روش کمی-پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسید که بین آگاهی محیط زیستی، تحصیلات، تعداد افراد خانواده و سن با رفتار محیط زیستی، رابطهٔ مثبت و معناداری وجود دارد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

نتایج پژوهش جازات و همکاران[1] (۲۰۲۳)، با عنوان «ارزیابی شاخص‌های جامعه‌شناختی مؤثر بر آلودگی زیست محیطی در ایوو، نیجریه» به شیوهٔ پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه و شیوهٔ نمونه‌گیری تصادفی حاکی از آن است که متغیرهای نفوذ دولت، مذهب، فرهنگ و مسائل بهداشتی، به ترتیب بیشترین تأثیر معنادار را بر متغیر آلودگی زیست محیطی داشته‌اند.

یافته‌های تحقیق جونیتا و همکاران[2] (۲۰۲۳)، با عنوان «عوامل مؤثر بر رفتار دانشجویان حامی محیط زیست برای توسعهٔ پایدار: (مطالعهٔ موردی دانشگاه اندونزی)»، با رویکرد کمی و به شیوهٔ پیمایش نشان داد که دانشگاه می‌تواند نقش اساسی در ترویج رفتارهای حامی محیط زیست برای توسعهٔ پایدار داشته باشد. در این میان، بین عوامل فردی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی با رفتارهای زیست محیطی دانشجویان به لحاظ آماری رابطهٔ معنادار و مثبتی برقرار بوده است و متغیرهای مذکور، در مجموع ٥٤/۱ درصد از تغییرات متغیر رفتارهای محیط زیستی در بین دانشجویان را تبیین نموده‌اند.

لارسون[3] و همکاران (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «بررسی ابعاد رفتارهای طرفداران محیط زیست» در بین ساکنین روستایی نیویورک با استفاده از روش پیمایشی انجام داده‌اند و به این نتیجه رسیدند که بین نگرش و مسؤولیت‌پذیری محیط زیستی و آموزش از طریق نهادهای روستاییان و رفتارهای محیط زیستی آنان، رابطهٔ مستقیم، مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

لئو[4] و همکاران (۲۰۱۷) پیمایشی را با عنوان «نقش سرمایهٔ اجتماعی در رفتار ساکنان جامعهٔ اکوتوریسم و طرفداران محیط زیست» انجام داده‌اند که با استفاده از پرسشنامهٔ استاندارد، داده‌های پژوهش را جمع‌آوری کرده‌اند. جامعهٔ مورد مطالعه، بزرگسالان ایسلندی (۳۰ سال به بالا زن و مرد) است. نتایج پژوهش نیز بیانگر آن است که سرمایهٔ اجتماعی و به خصوص مؤلفهٔ مشارکت و اعتماد اجتماعی و نیت انجام رفتار با رفتار محیط زیستی، رابطهٔ مثبت و معنی‌داری دارد.

تیکا[5] و همکاران (۲۰۰۰)، در پژوهشی با عنوان «تأثیرات پیشینهٔ تحصیلی بر آگاهی، سطح فعالیت‌ها و دانش محیط‌زیستی دانشجویان» به این نتیجه رسیده‌اند که دانشجویان رشته‌های علوم زیستی نسبت به دانشجویان علوم مهندسی و اقتصادی، نگرش مثبت و سطح بالاتری از دانش محیط زیستی داشتند. همچنین این دانشجویان در فعالیت‌های محیط زیستی مشارکت بیشتری داشته‌اند.

1. Jazat & et al
2. Junita & et al
3. Larson
4. Liu
5 .Tikka

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان نمود که اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در ایران پیرامون مسائل محیط زیستی با رویکرد کمی بررسی شده‌اند؛ چرا که مسائل محیط زیستی از عوامل مختلف (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و...) تأثیر می‌پذیرند و هر پژوهشگر از دریچهٔ دید خاص خود به این مسئله ورود کرده است و آن را مورد بررسی قرار داده است. اما جنبهٔ نوآورانه این پژوهش در این است که با دیدگاه جامعه‌شناختی به این مسأله توجه شده است؛ زیرا مسائل محیط زیستی، زادهٔ زندگی اجتماعی انسان‌ها هستند و بررسی جامعه‌شناسانهٔ این مسأله کمتر به چشم می‌خورد و جای خالی این نوع بررسی در پژوهش‌های مربوط به مسائل محیط زیستی حس می‌شود. همچنین با وجود فراوانی فعالیت‌های محیط زیستی در این دو استان، مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در خصوص بانه و مریوان بسیار اندک است و در واقع به مسائل محیط زیست در این دو شهر، توجه کمتری شده است.

مبانی نظری

از محیط زیست تعاریف مختلفی به عمل آمده است و گاهی با طبیعت به یک معنا در نظر گرفته می‌شود. طبیعت شامل مجموعه عوامل طبیعی، زیستی و غیرزیستی است؛ اما طبق تعریف متن حقوقی شورای جامعهٔ اقتصادی اروپا (۲۷ ژوئن ۱۹٦۷) محیط زیست شامل آب، هوا، خاک، عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده است (شاهنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱). در واقع محیط زیست شامل محیطی است کـه فرایند حیات را در برگرفته است و براساس برهم‌کنش میان انسان و طبیعت و از دیدگاه بشر توصیف می‌شود و از طبیعت، جوامع انسانی و فضاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند، تشکیل شده است و کل فضای زیستی کرهٔ زمـین، یعنـی زیست‌کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد (خوش فر و همکاران، ۱۳۹٤: ۱۳۹). استرن[1] دو تعریف از رفتار محیط‌زیستی ارائه داده است؛ اولین تعریف مربوط به میزان تأثیراتی است که انسان از طریق دسترسی به منابع و انرژی‌های طبیعی بر محیط زیست می‌گذارد و تعریف دوم معطوف به نیت انسان‌ها است. به این معنا که ایجاد تغییر در محیط زیست با چه قصد و نیتی صورت می‌گیرد (وحیدا و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۱٤). بر این اساس در هر جامعه‌ای افراد می‌توانند رفتارها و فعالیت‌های مثبت، محیط‌گرایانه و مسؤولانه‌ای در برخورد با محیط زیست از خود نشان دهند و یا برعکس رفتارهای منفی و غیرمسؤولانه در برابر محیط زیست داشته باشند. رفتارهای محیط‌گرایانه، فعالیتی است که انسان آگاهانه در پی کاهش اثرات منفی کنش خود بر جهان طبیعی و جهان ساخته شده توسط انسان داشته باشد و رفتارهای زیست محیطی مسؤولانه نیز به آگاهی و

[1]. Stern

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

تمایلات خاص انسان برای نحوهٔ رفتار با محیط اشاره دارد که هر چه مسؤولانه‌تر باشد، کرهٔ زمین از بحران‌های زیست‌محیطی نجات می‌یابد و پیوند دوبارهٔ بین انسان و محیط زیست شکل می‌گیرد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). امیل دورکیم[1] در گذر اجتماع سنتی به جامعهٔ نوین، دگردیسی از انسجام مکانیکی به ارگانیکی را بیان می‌کند. به نوعی که در انسجام مکانیکی، دگرخواهی و اخلاق دینی ارزش دارد که به نوعی حامی ارزش‌های حمایت از محیط زیست هستند. در حالی که، در تقسیم کار مبتنی بر انسجام ارگانیکی، تفاوت افراد، خودخواهی و تشخیص را تقویت می‌کند که در تضاد با ارزش‌های حفاظت از محیط زیست است. زمانی که، جوامع بزرگ‌تر و پرجمعیت‌تر می‌شوند، کشاورزی برای این جمعیت اکتفا نمی‌کند. تخصصی شدن مشاغل، به‌طور فزاینده، این معنا را در پی دارد که رقابت بر سر زمین زراعی (حتی زمانی که زمین به خاطر نوآوری‌های فنی حاصلخیزتر شده است) کاهش یافته است. به همین دلیل او معتقد است تقسیم کار ارگانیکی و جمعیت بزرگ‌تر باعث افزایش تخریب محیط زیست می‌شود (فروتن کیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۳). آدورنو[2] نیز معتقد است که روشنگری برای محیط طبیعی، ارزش ابزاری قائل بوده است. به این ترتیب در زمینهٔ دیالکتیک روشنگری، هم طبیعت درونی انسان‌ها و هم طبیعت بیرونی به تباهی کشیده شده است، که همهٔ ویژگی‌ها را از او دزدیده است و فقط چیزهایی را باقی گذاشته‌ا است که برای استفادهٔ انسان رام شده است. «دیالکتیک روشنگری» به مدرنیته و عقلانیت ابزاری انتقاد می‌کند و روشنگری را رویکردی متناقض می‌داند، زیرا با حاکمیت تکنولوژی بر زندگی انسان مدرن و استفادهٔ ابزاری از محیط طبیعی، رابطهٔ انسان و محیط طبیعی مختل شده است؛ به گونه‌ای که، جهان طبیعی را تا زمانی ارزشمند می‌داند که برایش سودمند باشد. چنین نگرشی، محیط طبیعی را دچار تباهی کرده است که امیدی به نجات آن نیست (آدورنو، ۱۹۸٤: ۳٦). در واقع عقلانیت ابزاری و دسترسی فزایندهٔ انسان به تکنولوژی‌های جدید سبب شده است بشر بدون توجه به حفظ محیط زیست و مسائل دیگر، فقط به فکر سود خود از طبیعت باشد و تا جایی که می‌تواند به استفادهٔ ابزاری از محیط زیست روی آورد که این اقدام باعث تخریب و آلودگی محیط می‌شود؛ تا جایی که، بسیاری از جنگل‌ها، مراتع، باغ‌ها و منابع طبیعی و ... در معرض تباهی قرار گرفته است و صورت ناخوشایندی از استفادهٔ ابزاری از طبیعت را نمایان می‌سازد.

[1] Emile Durkheim
[2] Adorno

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

از نظر مارکوزه[1]، انسان‌ها خصلتی پرخاشگر دارند. چرا که انسان نوگرا برای چیرگی بر محیط بیرونی باید جهان خارج را به صورت شئ منفعل درآورد و این برخورد با طبیعت است که به گفتهٔ او، افشاگر خصلت «پرخاشگر و متجاوز» انسان مدرن است و طبیعت را همچون چیزی می‌داند که به او واگذار شده است تا با او بجنگد و پیروزی خود را در تسلط هر چه بیش‌تر بر محیط می‌داند. مارکوزه تکنولوژی را عامل اصلی شکل‌دهی جامعهٔ مدرن می‌داند، به گونه‌ای که در چنین جامعه‌ای در حوزهٔ فردی، آزادی درونی انسان و در حوزهٔ روابط اجتماعی، تفکر انتقادی از او سلب شده است و سرانجام چنین جامعه‌ای استبداد و فاشیست خواهد بود (دنیل[2]، ۲۰۱۱: ۸۹). او در نقد روشنگری اظهار می‌کند که انسان نوگرا برای ایجاد نظم صنعتی، محیط طبیعی را زیر سلطهٔ خود در آورده است و راه رهایی از این حالت، آشتی با طبیعت و کاهش سلطه و استفاده بی رویه از طبیعت است و تغییر این نوع سلطه به برقراری نوع حاکمیت رهایی‌بخشی است. البته این اقدام به معنای بازگشت به دوران پیش از مدرن نیست، بلکه «این حاکمیت رهایی‌بخش به معنای متمدن کردن» یا انسانی کردن طبیعت از راه دگرگونی مادی و فرهنگی طبیعت از «وحش» یا «طبیعت خام» به شکل بوستان‌ها، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی است (بری،۱۳۹۰ :۱۱۰).

یورگن هابرماس[3] بیش‌ترین توجه‌اش به نقش انسان در سازندگی خود، یعنی فرایند نوسازی در حیات اجتماعی است؛ که در آن، انسان باید طراح نوسازی باشد. البته او از نوسازی در غرب انتقاد کرده است. زیرا او معتقد است که انسان بیش‌ترین نیروی خود را صرف اقتصاد کرده است و در زمینهٔ فرهنگ، ایدئولوژی و سیاست عقب افتاده است و به عبارتی، دچار « تأخر فرهنگی» گشته است. هابرماس، عقلانیت ارتباطی را جایگزین مناسبی برای عقلانیت ابزاری می‌داند، زیرا که عقلانیت ارتباطی، به ارزش‌ها و هنجارها بر می‌گردد و در پرتو آن، رابطهٔ انسان‌ها با یکدیگر و رابطهٔ انسان با خودش را تنظیم خواهد کرد. همچنین او علم انتقادی را موجب خود آگاهی و رهایی از توده‌ها می‌داند که «بر علاقهٔ رهایی بخش استوار است و انحراف‌های موجود در کنش متقابل و ارتباط را آشکار می‌سازد و به تصحیح آن کمک می‌کند» (کرایب، ۱۳۹۸ :۲۹۹).

به باور آنتونی گیدنز[4] در دنیای مدرنیتهٔ متأخر، جوامع مدرن در سطح نهادها و کنش‌های فردی هر چه بیش‌تر به سمت انحلال سنت و عادات سنتی در حال حرکت هستند. از دید او نهادها و ساختارهای مدرن بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارند، اما خودشان به نوبهٔ خود به وسیلهٔ کنش‌های افراد شکل می‌گیرند. گیدنز به جنبهٔ مثبت تغییرات نهادها و ساختارهای مدرن نیز توجه

[1] Marcuse
[2] Danielle
[3] Jurgen Habermas
[4] Anthony Giddens

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

داشته است و معتقد است هر چه ساختارها در جوامع، مدرن‌تر باشند، فرصت‌سازتر نیز هستند و به کنش‌های فردی و جمعی قدرت انتخاب بیش‌تری می‌دهند (لاپتون، ۱۳۸۲: ۳۰۵). ساز و کارهای از جا کندگی و جای‌گیری مجدد که از جمله ویژگی‌های جوامع مدرن است؛ از یک طرف برای ما امنیت را به ارمغان می‌آورد و از طرف دیگر «تصور خطر و ناامنی» را نیز به وجود می‌آورد. بدین سان، مدرنیتهٔ متأخر خصلت دو جانبه دارد. از یک سو منطبق با پیشرفت (نیمهٔ روشن مدرنیته) است و از سوی دیگر با ناامنی و خطر (نیمهٔ تاریک مدرنیته) عجین است (گیدنز، ۱۳۹۹: ۷). از جمله مخاطرات جوامع مدرن، آسیب‌رسانی به محیط زیست است که گیدنز در باب خطرات تغییرات آب و هوا و گرمایش زمین ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی و انتشار گازهای گلخانه‌ای به سه مسأله اشاره می‌کند. اول اینکه اکثریت مردم خطراتی را که مربوط به آینده است، واقعی تلقی نمی‌کنند و آن را نادیده می‌گیرند. مخاطرات و نتایج تخریبی ناشی از گرمایش زمین در جریان زندگی روزمره، به‌طور واضح ملموس و مشهود نیست و امکان دارد بسیاری از افراد دست روی دست بگذارند و هیچ کار خاصی انجام ندهند. بسیاری از مردم نیز از خطرات ناشی از آسیب‌ها آگاهی را دارند؛ ولی تعداد اندکی از آنان حاضر به تغییر سبک زندگی خود می‌شوند. دوم اینکه بسیاری از مردم یک پاداش ناچیز کنونی (استفاده از وسیلهٔ نقلیهٔ شخصی) را به پاداش بزرگ‌تر در آینده (عدم استفاده از وسیلهٔ نقلیهٔ شخصی برای کاهش گازهای گلخانه‌ای) ترجیح می‌دهند، لذا سعی در توجیه رفتار خود دارند. مسألهٔ سوم اینکه شکاف و تفاوت بین آنچه مردم می‌گویند و آنچه که انجام می‌دهند، وجود دارد. به‌طوری که اغلب مردم بر این نظرند که خطرات واقعی هستند، اما در برابر آن کاری نمی‌توان انجام داد. این همان شکاف بین نگرش و رفتار است که به آن قفل شدگی مردم در رفتارهای عادتی گویند. به باور گیدنز رفتارهایی عادتی می‌تواند چنان در سوگیری شخصیتی جای‌گیر شوند که نگرش افراد را تحت-الشعاع قرار دهند و مانع از ایجاد کنش‌های مسؤولیت‌پذیر در مقابل خطرات ناشی از اثر گلخانه‌ای و گرمایش زمین گردند (گیدنز، ۱۳۹٤: ۲۳-۲٦). از این دست مخاطرات در جوامع مدرن کم نیستند و به نظر گیدنز هر چند بلاهای مدرن را نمی‌توانیم به طور کامل مهار کنیم (چرا که مدرنیتهٔ متأخر، پیامدهای ناخواسته‌ای دارد و دانش مخاطره با وجود خصلت باز اندیشانه‌اش، نمی‌تواند تبعات منفی خطرات را به‌طور قطعی و حتمی متوقف کند)؛ اما می‌توان به نحوی این پیامدهای منفی را کنترل کرد (ریتزر، ۱۳۹۳: ۷۳۹). بنا به نظر گیدنز «گردونهٔ خُرد کننده و بلای مدرنیته» غیر قابل توقف است و لذا باید آن را به کنترل و مهار درآورد. او راه حل را در نوسازی بوم‌شناسی (مدرنیزاسیون اکولوژیکی) جست‌وجو می‌کند (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹٦: ٦۸). در نوسازی اکولوژیکی به جای صنعت‌زدایی به گسترش فن‌آوری‌ها و صنایع سبز و پاک تأکید می‌شود.

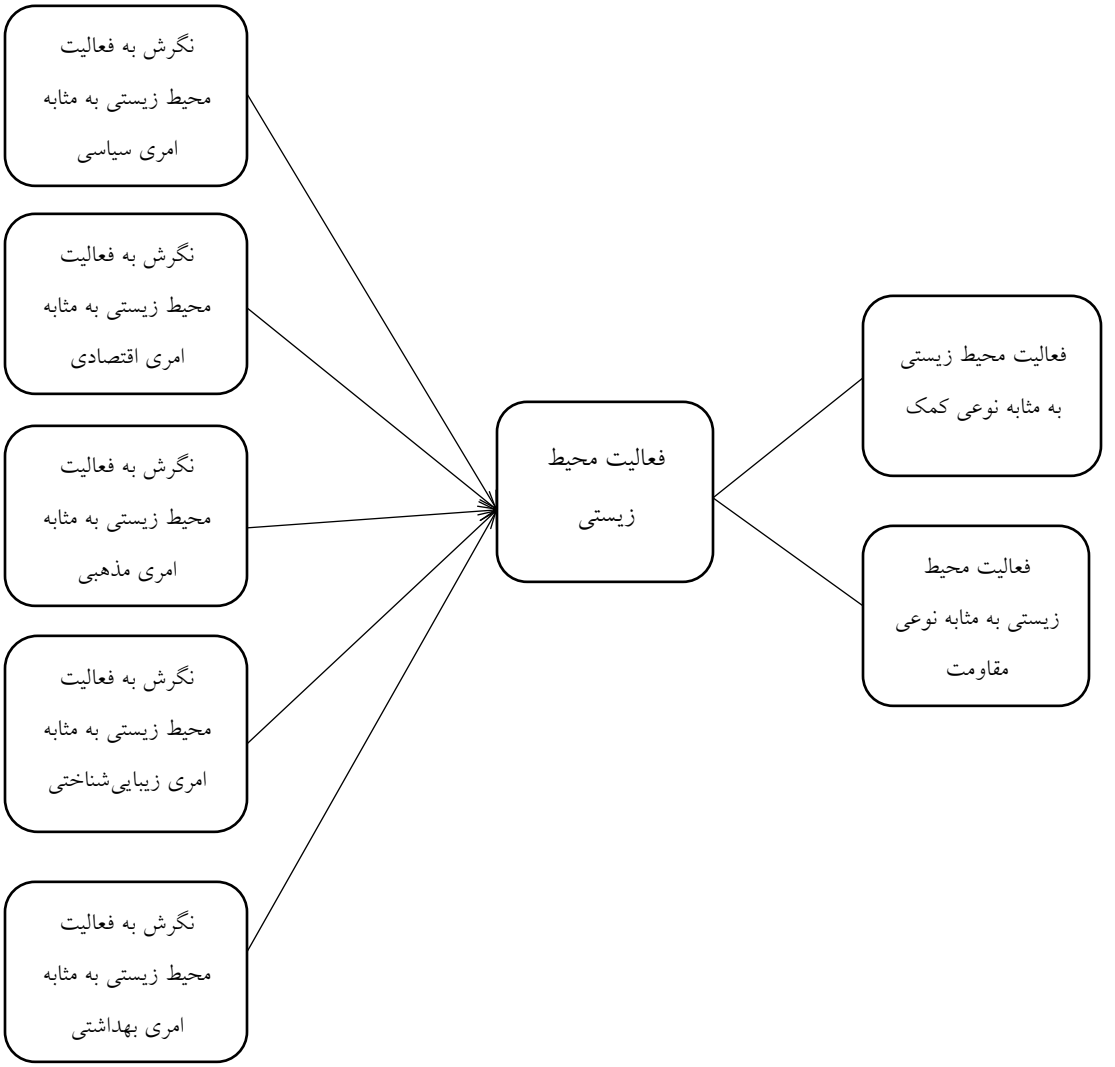
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

طرفداران مدرنیزه کردن اکولوژیکی رشد اقتصادی توأم با تکنولوژی سبز را جهت کاهش خطرات زیست محیطی پیشنهاد می‌دهند، بدون آنکه میزان بهره‌وری از منابع طبیعی کاهش یابد (ساتن[1]، ۱۳۹۳: ۲۷۱).

مدل نظری پژوهش

با توجه به موارد مذکور، مدل نظری پژوهش به شکل زیر قابل تدوین است.



نمودار شمارهٔ یک-مدل نظری پژوهش

1. Sutton

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به پیشینه‌های تجربی طرح شده و مباحث نظری، فرضیه‌های پژوهش حاضر به شرح زیر تدوین شده است:

- بین نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری سیاسی و فعالیت محیط زیستی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری اقتصادی و فعالیت محیط زیستی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری زیبایی‌شناختی و فعالیت محیط زیستی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری مذهبی و فعالیت محیط زیستی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری بهداشتی و فعالیت محیط زیستی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، براساس هدف تحقیق از نوع کاربردی بوده است و براساس نحوهٔ گردآوری داده‌ها پیمایشی است. همچنین از لحاظ میزان ژرفایی، پهنانگر بوده است و از لحاظ زمانی مقطعی است. جامعهٔ آماری این پژوهش، کلیهٔ فعالان محیط زیستی شهرستان‌های مریوان و بانه می‌باشد که با تفحص در آمارهای موجود در خصوص تعداد فعالان محیط زیستی، جمعیتی در حدود ۷ هزار نفر (بانه ۲٤۰۰، مریوان ٤٦۰۰) است. حجم نمونه با استفاده از فرمول آماری کوکران از بین جامعهٔ آماری مورد مطالعه، ۳۸۵ نفر انتخاب محاسبه شد. برای انتخاب نمونهٔ تحقیق نیز از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای[1] متناسب با حجم آن طبقه استفاده شده است. لذا، جامعهٔ آماری به گروه‌های متجانس برحسب جنسیت و سطح تحصیلات تقسیم شد. سپس نمونهٔ نهایی تحقیق بر اساس نسبت جمعیت به تفکیک جنسیت و سطح تحصیلات در جامعهٔ آماری تعیین گردید. در نهایت، تعداد نمونهٔ نهایی تحقیق از بین فعالان محیط زیست برای شهرستان مریوان ۲۵۳ نفر و برای شهرستان بانه ۱۳۰ نفر برآورد گردید (جدول شمارهٔ ۱).

[1] Stratified Sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

جدول شمارهٔ یک- تعداد نمونهٔ اختصاصی به تفکیک جنسیت و مدرک تحصیلی

سطح تحصیلات	جامعه	تعداد جامعه زنان	تعداد جامعه مردان	تعداد زنان نمونه	تعداد مردان نمونه
پایین‌تر از دیپلم	مریوان	۳۹۶	۵۴۰	۲۲	۳۰
	بانه	۲۱۶	۲۷۰	۱۲	۱۵
دیپلم	مریوان	۷۰۲	۹۰۰	۳۹	۵۰
	بانه	۳۶۰	۴۸۶	۲۰	۲۷
کارشناسی و کارشناسی ارشد	مریوان	۸۱۰	۱۰۸۰	۴۵	۶۰
	بانه	۴۱۴	۵۴۰	۲۳	۳۰
دکتری	مریوان	۵۴	۷۲	۳	۴
	بانه	۱۸	۳۶	۱	۲
مجموع	مریوان	۱۹۶۲	۲۵۹۲	۱۰۹	۱۴۴
	بانه	۱۰۰۸	۱۳۳۲	۵۶	۷۴

ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامهٔ محقق‌ساخته می‌باشد. لازم به توضیح است که این پرسشنامه از بخش کیفی پژوهش برگرفته شده است. در این راستا، سؤالاتی در قالب طیف لیکرت و در سطح سنجش رتبه‌ای برای اندازه‌گیری تمامی متغیرهای تحقیق تدوین گردید. اعتبار وسیلهٔ اندازه‌گیری اعتبار صوری از نوع اعتبار محتوایی می‌باشد، به این معنا که از نظر اساتید و متخصصین برای بررسی فضای مفهومی استفاده شده است. برای برآورد پایایی ابزارهای اندازه-گیری نیز از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس شدند، از مقیاس حذف شدند. ضریب پایایی حاصل برای تمامی متغیرهای پژوهش بالای ۰/۷ بوده است و از نظر آماری مورد تأیید می‌باشد (جدول شمارهٔ ۲).

جدول شمارهٔ دو- ضریب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری سیاسی	۰/۷۸
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی شناسی	۰/۷۱
فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری مذهبی	۰/۷۲
فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری بهداشتی	۰/۷۰
فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری اقتصادی	۰/۷۵
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی مقاومت	۰/۷۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی کمک	۰/۷٤

یافته‌های توصیفی

یافته‌های حاصل از توزیع نمونه‌ها بر حسب سطح تحصیلات بیان‌گر آن است که بیشترین درصد فراوانی (۳۰ درصد) مربوط به تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد بوده است و کمترین درصد فراوانی مربوط به تحصیلات دکتری (۲/٦ درصد) است. ٦۹/٤ درصد (۲٦۷ نفر) از نمونه‌های پژوهش، مجرد و ۳۰/٤۲ درصد (۱۱۸ نفر) متأهل بوده‌اند. میانگین سنی نمونه‌های پژوهش ۳۳/۳ سال، بیشترین فراوانی مربوط به ۳٤ سال و میانهٔ آن ۳۱ سال بوده است. نمونه‌های پژوهش از نظر میزان درآمد در بین بدون درآمد تا ٦۰ میلیون تومان توزیع شده است. میانگین درآمد در بین نمونه‌های پژوهش ٦/۵ میلیون تومان، میانه و مد ٤ میلیون تومان بوده است. یافته-های حاصل بیان‌گر آن است که بیشترین درصد فراوانی فعالیت در انجمن مربوط به کمتر از یکسال (۱۸ درصد) و بیشتر از ۱۰ سال (۲۰ درصد) بوده است و کمترین درصد فراوانی مربوط به ۷ و ۸ سال (۵/۹درصد) است.

همچنین نتایج تحقیق حاکی از آن است که فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امر سیاسی با میانگین ۳/٤ با مد ٤ و میانهٔ ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۷ و واریانس آن ۰/۹ می‌باشد، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت است؛ فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی‌شناسی با میانگین ۳/۳ با مد و میانهٔ ۳ است، انحراف معیار آن ۰/۷ و واریانس آن ۰/۸ بوده است، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت می‌باشد؛ فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری اقتصادی با میانگین ۳/۲ با مد ٤ و میانهٔ ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/٦ و واریانس آن ۰/٦ بوده است، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت می‌باشد؛ فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری مذهبی با میانگین ٤/۱ با مد و میانهٔ ٤ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۹ و واریانس آن ۰/۱ است، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت می‌باشد؛ فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری بهداشتی با میانگین ۳/۲ با مد و میانهٔ ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۹ و واریانس آن ۰/۵ بوده است، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت می‌باشد. آماره‌های توصیفی متغیر وابستهٔ پژوهش نشان داد که متغیر فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی مقاومت با میانگین نمرهٔ ۳/۳ ، مد ۳ و میانهٔ ٤، انحراف معیار۸/ ، واریانس ۰/۷ بوده است و چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت است. فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی کمک با میانگین ۳/۳ با مد ٤ و میانهٔ ۳ بوده است، انحراف معیار آن ۰/۷ و واریانس آن ۰/۸ یعنی است، چولگی آن منفی و کشیدگی آن مثبت می‌باشد (جدول شمارهٔ ۳).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

جدول شمارهٔ سه- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرهای مستقل	تعداد	میانگین	مد	میانه	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	انحراف ضریب	
									چولگی	کشیدگی
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امر سیاسی	۳۸۵	۳/٤۸	٤	۳	۰/۷۱۹	۰/۹۰۷	-/۷۱۲	۰/۸۲۰	-۱/۲۱	۱/۷٤
محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی شناسی	۳۸۵	۳/۳۱	۳	۳	۰/۷۲٦	۰/۸۳۵	-/۸۲۷	۰/٤۹۱	-۱/۵۲	۰/۷٦۰
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری اقتصادی	۳۸۵	۳/۲۰	۳	۳	۰/٦۸۳	۰/٦۹۷	-/۵۱۸	۰/۵۹۳	-۲/۲٤	۲/۱۸
فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امری مذهبی	۳۸۵	٤/۱۱	٤	٤	۰/۹۰٤	۰/۱۷۸	-/٦۸۹	۰/۷۳۲	-۳/۵۱	٤/۹۰
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری بهداشتی	۳۸۵	۳/۲۷	۳	٤	۰/۹۳۸	۰/۵۳۲	-/٦۸٤	۰/۷۳٦	-۲/۹۲	۲/۳۳
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی مقاومت	۳۸۵	۳/۳۹	۳	٤	۰/۸۸٤	۰/۷۵۳	-/۳۹۱	-/۷٤۰	-۲/۳۲	۲/۷۲
فعالیت محیط زیست به مثابهٔ نوعی کمک	۳۸۵	۳/۳۱	٤	۳	۰/۷۸۹	۰/۸۳۵	-/۵۳۸	۰/۳۸۲	-۱/۸۸	۰/۹۵٦

یافته‌های استنباطی

جهت سنجش همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابستهٔ تحقیق از همبستگی r پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان داد که همبستگی بین تمامی متغیرهای مستقل پژوهش شامل نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر سیاسی، نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر زیبایی‌شناختی، نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابه امر اقتصادی، نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابه امر مذهبی و نگرش به فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ امر بهداشتی، با هر دو مؤلفهٔ فعالیت محیط زیستی شامل فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ مقاومت و فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ کمک و سازهٔ فعالیت محیط زیستی با توجه به سطوح معناداری حاصل با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۱ از نظر آماری مورد تأیید است. نوع تمامی روابط خطی مذکور نیز مثبت و مستقیم می‌باشد. به این معنا که با افزایش هر یک از متغیرهای مستقل، متغیر وابستهٔ فعالیت محیط زیستی در بین نمونهٔ مورد مطالعه روندی صعودی خواهد داشت و برعکس (جدول شمارهٔ ٤).

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

جدول شمارهٔ چهار-آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و فعالیت محیط زیستی

متغیر مستقل	فعالیت محیط زیستی به مثابه مقاومت		فعالیت محیط زیستی به مثابهٔ کمک		فعالیت محیط زیستی	
	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری
محیط زیست به مثابهٔ امر سیاسی	**/٥٤١	۰/۰۰۰	**/۳٤۱	۰/۰۰۰	**/٥٤٨	۰/۰۰۰
محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی	**/۷۲۷	۰/۰۰۰	**/٥۹۱	۰/۰۰۰	**/۸۰۰	۰/۰۰۰
محیط زیست به مثابهٔ امری اقتصادی	**/۱۹٤	۰/۰۰۰	**/۲۰۳	۰/۰۰۰	**/۲۳٥	۰/۰۰۰
محیط زیستی به مثابهٔ امری مذهبی	**/۲۲۳	۰/۰۰۰	**/٥٤۱	۰/۰۰۰	**/٤۱۷	۰/۰۰۰
محیط زیست به مثابهٔ امری بهداشتی	**/۲۰۸	۰/۰۰۰	**/۲٥۸	۰/۰۰۰	**/۲۷۱	۰/۰۰۰

: معنی‌داری در سطح ۰۱/ *: معنی‌داری در سطح ۰٥/ *: عدم معنی‌داری

در پژوهش حاضر، جهت سنجش تأثیر هرکدام از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته فعالیت-های محیط زیستی از تحلیل رگرسیونی چند متغیرهٔ گام به گام استفاده شده است. از جمله پیش-فرض‌های بنیادی در تحلیل رگرسیونی، خطی بودن رابطهٔ بین متغیرهای مستقل و وابسته می‌باشد که بر اساس نتایج جدول آنالیز واریانس، این امر محقق شده است. همچنین استقلال خطاها از همدیگر مطابق با میزان دوربین واتسون[1] بدست آمده (بین ۱/٥ و ۲/٥) مورد تأیید است، منظور اینکه میزان دوربین واتسون به دست آمده برای مدل نشان دهندهٔ این است که باقی مانده‌ها، مستقل از هم می‌باشند. نکتهٔ بعدی این که پیش فرض عدم هم‌خطی متغیرهای مستقل نیز با توجه به مقادیر شاخص تولرانس (نزدیک به عدد یک) و شاخص تورم واریانس (کوچک‌تر از عدد ۲/٥) به تأیید رسیده است.

در بین متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی متغیرهای نگرش به فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی‌شناختی، نگرش به فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امر سیاسی و نگرش به فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری بهداشتی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابستهٔ فعالیت‌های محیط زیستی داشته‌اند، در این میان، تأثیر نگرش به فعالیت محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی‌شناختی بر متغیر فعالیت‌های محیط زیستی بیشتر از تأثیر بقیهٔ متغیرهای مستقل بوده است، نوع تأثیر تمامی

1. Durbin - Watson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز مثبت بوده است. همچنین متغیرهای مذکور، توانسته‌اند ٦٥/٤ درصد از تغییرات متغیر وابستهٔ فعالیت‌های محیط زیستی را تبیین و پیش‌بینی نمایند (جدول شمارهٔ ۵).

جدول شماره (۵): آماره‌های تحلیل رگرسیونی چند متغیره رفتارهای محیط زیستی

متغیر	ضریب (Beta)	آمارهٔ t	P-Value	بررسی هم خطی	
				تولرانس	شاخص تورم واریانس
فعالیت محیط زیست به مثابه امری زیبایی شناختی	۰/۷۰۵	۱۸/۷۲	۰/۰۰۰	۰/۹۳٦	۱/۵۷
فعالیت محیط زیست به مثابه امر سیاسی	۰/۱۳۳	۳/٦۳	۰/۰۰۰	۰/۹٦۸	۱/٤۹
فعالیت محیط زیست به مثابه امری بهداشتی	۰/۰۷٤	۲/۳۷	۰/۰۱۸	۰/۹۳٤	۱/۳۷

	آمارهٔ F	P-Value	آمارهٔ دوربین- واتسون	ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده
کل مدل رگرسیونی	۲٤۳/۳۱	۰/۰۰۰	۱/۹۵	R= ۰/۸۱۱ R Square= ۰/٦۵۷ Adjusted R Square= ۰/٦۵٤

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به مطالعهٔ جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر فعالیت محیط زیستی در شهرستان‌های بانه و مریوان به روش کمی پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارتباط میان عوامل بررسی شده شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، بهداشتی، زیبایی‌شناسی و مذهبی با فعالیت‌های محیط زیستی تأیید شده است و از نوع مثبت است. به نوعی که هر چه به محیط زیست، به‌عنوان امری سیاسی، اقتصادی، بهداشتی، مذهبی و زیبایی‌شناختی توجه شود، میزان فعالیت‌های محیط زیستی نیز افزایش پیدا می‌کند. در واقع محیط زیست عامل حیات انسان‌ها و تمام موجودات زنده است. برای حفظ این محیط و رفع مسائل و بحران‌های مربوط به آن ضروری است توجه به محیط زیست را در تمام جنبه‌های زندگی رعایت شود و تمامی فعالیت انسان‌ها در جهت حفظ این نعمت ارزشمند، برنامه‌ریزی و تدوین شود. این دیدگاه باعث می‌شود مسائل محیط زیستی صرفاً مسأله‌ای در حیطهٔ علوم طبیعی و زیستی نباشد و به مسأله‌ای اجتماعی مبدل شود و حفاظت از آن وظیفه‌ای همگانی تلقی شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

امروزه مسائل و بحران‌های محیط زیستی بر کسی پوشیده نیست؛ اما با وجود آگاهی از این مسأله، اقدامات کافی و مؤثری در سطح جامعه برای رفع بحران‌های زیست محیطی صورت نگرفته است. مسائل محیط زیستی، ریشه در زندگی اجتماعی بشر دارد، چرا که انسان‌ها با زیاده خواهی و طمع، حاضر به هرگونه دخل و تصرف در محیط زیست برای ایجاد رفاه بیش‌تر خود شده‌اند؛ بدون آنکه اندکی به پیامد و نتیجهٔ کنش و فعالیت خود فکر کنند. این تسلط بر محیط زیست تا جایی پیش رفته است که علاوه بر توجه فعالان محیط زیست و اجتماعی، این مسأله مورد توجه سیاست‌مداران و دولت‌ها نیز قرار گرفته است و به دلیل گستردگی و مرتبط بودن محیط زیست جوامع به یکدیگر، موضوعات محیط زیستی فقط به مرزهای ملی و منطقه‌ای محدود نمی‌شود و اثرات این اتفاق، تمام موجودات زندهٔ کرهٔ زمین اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان را در بر می‌گیرد. بررسی این مسأله نشان داد که فعالیت و کنش‌های محیط زیستی ممکن است مثبت، مسؤولانه و محیط‌گرایانه یا منفی و غیرمسؤولانه باشند. فعالیت‌های محیط‌گرایانه فعالیتی است که انسان آگاهانه در پی کاهش اثرات منفی کنش خود بر جهان طبیعی و جهان ساخته شده توسط خود باشد. رفتارهای محیط زیستی از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرند که در این تحقیق به تعدادی از آن‌ها شامل عوامل سیاسی، اقتصادی، بهداشتی، زیبایی‌شناختی و مذهبی اشاره شد. در این راستا دولت‌ها به‌عنوان عامل سیاسی مهم و اثرگذار بر فعالیت‌های محیط زیستی افراد شناخته می‌شوند. زیرا تصمیمات مهم و قانون‌گذاری‌های مثبت در جهت حفظ محیط زیست، افراد را به سمت فعالیت‌های مثبت و مسؤولانه سوق می‌دهد. از طرفی دولت در جامعهٔ ما با در اختیار داشتن رسانه‌های ملی و عمومی همچون رادیو و تلویزیون نقش پررنگی در ایجاد آگاهی افراد از فعالیت‌های محیط زیستی دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل توسعهٔ جوامع نیز توجه به مسائل محیط زیستی و زیبایی‌شناختی شهرها و روستاها است. به نوعی که اگر جوامع بخواهند در مسیر توسعهٔ همه‌جانبه قرار گیرند، باید صنعت، کشاورزی، معماری و شهرسازی و بخش‌های دیگر جامعه را در جهت حفظ محیط زیست برنامه‌ریزی کنند. همچنین مسائل محیط زیستی ارتباط مستقیمی با جان و سلامت انسان‌ها دارد و اثرات مخرب فعالیت‌های صنعتی انسان سبب آسیب‌ها و مشکلات جسمانی اعم از مشکلات ریه‌ای، تنفسی، آسم، مشکلات گوارشی و... شده است. همچنین این آسیب‌ها فقط مختص انسان‌ها نیست و حیات حیوانات و گیاهان را نیز با مشکل مواجه ساخته است، که فعالیت‌های محیط زیستی مثبت و مسؤولانه در این زمینه می‌تواند تضمین‌کنندهٔ بقای انسان‌ها و موجودات زندهٔ دیگر باشد. از طرفی دیگر برای حرکت در مسیر فعالیت‌های مثبت محیط زیستی نیاز به تغییر باور و نگرش انسان‌ها است. در این زمینه باورهای مذهبی از جمله باورهایی دربارهٔ گناه بودن تخریب محیط زیست وامانت بودن محیط زیست نزد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

انسان برای آبادانی، می‌تواند در جهت افزایش رفتارها و کنش‌های زیست محیطی مسؤولانه مؤثر باشد. البته که تغییر نگرش، گام اول برای ایجاد تغییرات است، چرا که بنا به نظر گیدنز در باب خطرات محیط زیستی سه مسألهٔ عمده در رابطه با تغییر همزمان نگرش و کنش وجود دارد. اول اینکه اغلب انسان‌ها این مسائل را به دلیل قابل لمس و مشهود نبودن آن، بعید و دور از ذهن می‌پندارند و کاری از پیش نمی‌برند. دوم آنکه برخی از افراد از خطرات ناشی از آسیب‌ها آگاهی دارند؛ ولی حاضر به تغییر سبک زندگی خود نیستند و پاداش ناچیز کنونی را به پاداش بزرگ‌تر ترجیح می‌دهند. مسألهٔ بعدی شکاف بین نگرش و رفتار است که به آن قفل شدگی در رفتارهای عادتی نیز می‌گویند. این‌گونه رفتارهای عادتی می‌تواند نگرش افراد را تحت‌الشعاع قرار دهد و مانع از ایجاد کنش‌های مسؤولیت‌پذیر در مقابل خطرات محیط زیستی شوند. گیدنز معتقد است هرچند که مدرنیته پیامدهای مخربی به همراه آورده است و غیر قابل توقف است؛ اما می‌توانیم این پیامدهای منفی را کنترل و مهار کنیم و به سمت نوسازی بوم‌شناسی (مدرنیزاسیون اکولوژیکی) یعنی گسترش صنعت و فن‌آوری سبز و پاک حرکت کنیم. در واقع باید بیان داشت مسائل و بحران‌های محیط زیستی از گذشته تا کنون وجود داشته است، ولی با ورود به عصر صنعت و مدرنیته شدن جوامع، این خطرات و آسیب‌ها افزایش چشم‌گیری داشته است؛ به نوعی که به گفتهٔ دورکیم، در گذر از جوامع سنتی به مدرن، انسجام مکانیکی که مربوط به جوامع سنتی است و در آن دگرخواهی و اخلاق دینی ارزش داشت و به نوعی حامی ارزش‌های حمایت از محیط زیست بوده است؛ کمرنگ‌تر شده است و در عوض در تقسیم کار مبتنی بر انسجام ارگانیکی را شاهد هستیم که تفاوت افراد، خود خواهی و تشخیص را تقویت می‌کند که در تضاد با ارزش‌های حفاظت از محیط زیست است. همچنین آدورنو نیز معتقد است در دورهٔ مدرنیته و حاکمیت عقلانیت ابزاری و دسترسی فزایندهٔ افراد به تکنولوژی‌های جدید، سبب شده است بشر بدون توجه به حفظ محیط زیست و مسائل دیگر، فقط به فکر سود خود از طبیعت باشد و تا جایی که می‌تواند به استفادهٔ ابزاری از محیط زیست روی آورد؛ که این عمل باعث تخریب و آلودگی محیط می‌شود؛ تا جایی که، بسیاری از جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی در معرض نابودی قرار گرفته است و صورت ناخوشایندی از استفادهٔ ابزاری از طبیعت را نمایان می‌سازد. مارکوزه نیز انسان‌های مدرن را دارای خصلتی پرخاشگر می‌داند. چرا که به باور او انسان نوگرا برای چیرگی بر محیط بیرونی باید جهان خارج را به صورت شئ منفعل درآورد و این نوع برخورد سودجویانه و سلطه‌گرایانهٔ انسان با طبیعت، افشاگر خصلت «پرخاشگر و متجاوزگر بودن» انسان مدرن است. او راه رهایی از این حالت را در آشتی با طبیعت و کاهش سلطه و استفاده بی‌رویه از طبیعت دانسته است که این امر از طریق متمدن یا انسانی کردن طبیعت و استفاده از طبیعت به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

شکل بوستان‌ها، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی ممکن است. در واقع همان‌طور که انسان پدیدآورندهٔ مسائل و بحران‌های محیط زیستی است، در جهت رفع بحران‌ها و بهبود شرایط نیز نقش اساسی و کلیدی دارد. همان‌طور که یورگن هابرماس نیز بیش‌ترین توجه‌اش را به نقش انسان در سازندگی زندگی خود، یعنی فرایند نوسازی در حیات اجتماعی می‌داند که در آن خود انسان‌ها طراح نوسازی هستند. به اعتقاد هابرماس برای حرکت در جهت نوسازی مثبت و بهینه نیز باید عقلانیت ارتباطی جایگزین عقلانیت ابزاری شود. چرا که عقلانیت ارتباطی، به ارزش‌ها و هنجارها بر می‌گردد و در پرتو آن، رابطهٔ انسان‌ها با یکدیگر و رابطهٔ انسان با خودش را تنظیم خواهد کرد و در این حالت انسان‌ها فقط به مسائل مادی و سود اقتصادی خود توجه نمی‌کنند و مسائل فرهنگی و محیط زیستی نیز در نوسازی حیات اجتماعی‌شان نقش دارد. در این راستا، معناداری رابطهٔ خطی بین متغیرهای مستقل با متغیر فعالیت‌های محیط زیستی در بین نمونهٔ مورد مطالعه و تأثیر معنادار این متغیرها در مدل رگرسیونی با محتوای نظریات فوق و بخشی از نتایج پژوهش‌های پیشین دری و همکاران (۱٤۰۱)، قلی‌زاده و همکاران (۱٤۰۰)، زائری و محمدی (۱۳۹۹)، صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۸)، فائقی و نوابخش (۱۳۹٦)، حبیبی (۱۳۹۳)، جازات و همکاران (۲۰۲۳)، جونیتا و همکاران (۲۰۲۳)، لارسون و همکاران (۲۰۱۸)، ائو و همکاران (۲۰۱۷)، تیکا و همکاران (۲۰۰۰) همخوان و همسو است. در نهایت، پیشنهادات زیر بر مبنای نتایج پژوهش حاضر قابل طرح می‌باشد:

– آموزش حقوق محیط زیست توسط سازمان‌های مردم نهاد به مردم و ایجاد بستر مناسب توسط این سازمان جهت همکاری و مشارکت مردم در حل بحران‌های زیست محیطی سبب حفاظت از محیط زیست و تحقق توسعهٔ پایدار می‌گردد.

– لازم است مدیران و برنامه‌ریزان در قالب کتب درسی تمهیدات لازم را در سطح استانی جهت آشنایی شهروندان با محیط زیست و رفتارهای مطلوب محیط زیستی انجام دهند. در این میان، بایستی به دانش‌آموزان شیوهٔ مواجهه با محیط زیست آموزش داده شود. همچنین لازم است آگهی‌های آموزنده از سوی رادیو و تلویزیون، به‌ویژه در رادیو و شبکه استانی در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از آلودگی محیط زیست ارائه گردد.

– از آنجایی که نزد فعالان محیط زیستی، محیط زیست به مثابهٔ امری زیبایی‌شناختی حائز اهمیت بوده است و از آنجا که این مهم، ظرفیت مثبتی در مناطق کردنشین است؛ سیاست‌گذاران می‌توانند با توجه به این ظرفیت‌ها، فعالان محیط زیستی را برای حفاظت از محیط زیست سازماندهی کنند و آن را در سازمان‌های حفاظت از محیط زیست به کار گیرند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

– یکی از بسترهایی که مسائل زیست‌محیطی حائز اهمیت بوده است، فعالیت زیست‌محیطی به مثابهٔ امری مذهبی است که تخریب محیط زیست در نزد آنان گناه تلقی شده است. از این جهت می‌توان چنین نگرشی را تقویت کرد و آن را در رسانه‌ها ترویج داد زیرا به حفظ محیط زیست کمک شایانی می‌نماید. لازم است در شبکه‌های تلویزیونی رسمی از حفاظت محیط زیست (به‌ویژه در مراسم و اعیاد) به عنوان «عبادت» یاد شود.

– باتوجه به تأثیر متغیر نگرش بهداشتی بر فعالیت‌های زیست محیطی بایستی اقدامات لازم جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست و آلودگی آن توسط نهادهای ذی‌ربط و تلاش در جهت فرهنگ‌سازی در راستای تقویت و درونی‌سازی رفتارهای متناسب بهداشتی و سلامت مرتبط با محیط زیست به عمل آید.

– با توجه به اینکه اقتصاد نقش مهمی در رفتارهای محیط زیستی داشته است، اقداماتی مانند ایجاد صندوق ملی محیط زیست در جهت حمایت از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها از طریق اعطای تسهیلات و کمک‌های مالی به منظور تقلیل آلایندگی واحدهای مذکور، بازنگری و ادغام ارزش-های اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی در حساب‌های مالی، دریافت عوارض و مالیات از محل فروش محصولات کارخانه‌ها جهت بهبود محیط زیست، انجام پروژه‌های عظیم براساس گزارش‌های توجیهی فنی و محیط زیستی، ارزیابی تأثیرات زیست محیطی، پیش‌بینی اعتبار لازم در بودجهٔ سالانه، جهت از رده خارج کردن وسایل نقلیه با عمر طولانی و آلاینده و تکلیف واحدهای صنعتی و معدنی به پرداخت درصدی از سود خالص خود در جهت پژوهش و تحقیقات زیست‌محیطی بخشی از اقدامات دولت در جهت استفاده از سازوکارهای مالی در جهت حفظ محیط زیست است. همچنین، با توجه به اینکه میزان محرومیت صنعتی و تکنولوژیک در استان کردستان به ویژه شهرستان‌های مریوان و بانه زیاد است و اقتصاد آنان وابسته به محیط (کشاورزی، دامداری و باغداری) است، لذا لازم است سیاست‌گذاران در درجهٔ اول توجه جدی به منابع آبی این مناطق داشته باشد چراکه این منبع مهم به شدت وضعیت معیشت و اشتغال ودر نهایت رفتارهای محیط زیستی شهروندان این مناطق را تحت تأثیر قرار داده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

منابع

۱- اربابی سبزواری، آزاده و محمد ترابی گودرزی (۱٤۰۲) «عوامل مؤثر در ارتقای فرهنگ زیست محیطی (با تأکید بر بعد آموزشی و اخلاقی)»، **مجموعه مقالات دهمین کنفرانس مطالعات و تحقیقات نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرآینده**، تهران.

۲- اسدی، روح‌اله و هدیه حسن‌نیا بدرآباد (۱٤۰۰) «تحلیل چالش‌های سازمان‌های مردم نهاد (سمن‌های) زیست‌محیطی در ایران، با نظریهٔ جامعهٔ منشوری ریگز»، **پژوهش‌های جغرافیای سیاسی**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۲: ۲۱-۱.

۳- بری، جان (۱۳۹۰) **محیط زیست و نظریهٔ اجتماعی**، ترجمهٔ حسن پوریان و نیره توکلی، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

٤- تقی زادگان، معصومه (۱٤۰۰) «هنر گفت‌وگویی و کنشگری در حوزهٔ عمومی: محیط زیست در آثار هنرمندان کنشگران»، **فصل‌نامهٔ علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر**، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱: ۱۲۱-۱٤٥.

٥- حبیبی، مرجان (۱۳۹۳) «سنجش عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر رفتارهای محیط زیستی»، **دومین همایش برنامه‌ریزی حفاظت از محیط زیست و توسعهٔ پایدار**، دانشگاه شهید بهشتی.

٦- خوش‌فر، غلامرضا؛ صالحی،صادق؛ وصال، زینب و محمدرضا عباس زاده (۱۳۹٤) «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی‌های زیست‌محیطی روستاییان (مطالعهٔ موردی: دهستان جاغرق شهرستان بینالود)»، **پژوهش‌های روستائی**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۱: ۱۳۷-۱٥۸.

۷- دری، پریا؛ شبیری، سید محمد و مهدیه رضایی (۱٤۰۱) «بررسی رفتارهای محیط زیستی با تأ کید بر سواد زیست محیطی (نمونهٔ مورد مطالعه: شهر مشهد)»، **مطالعات شهری**، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ٤۲: ۸٦-۷٥.

۸- ریتزر، جورج (۱۳۹۳) **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ هوشنگ نایبی، چاپ اول، تهران: نی.

۹- زائری، قاسم و انور محمدی (۱۳۹۹) «**تحلیل گفتمان فرهنگ محیط زیستی در ایران**»، **جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۱: ۱۲۷-۱۰٦.

۱۰- ساتن، فیلیپ دبلیو (۱۳۹۳) **درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست**، ترجمهٔ صادق صالحی، چاپ دوم، تهران: سمت.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

۱۱- سلیمان پورعمران، محبوبه؛ علیدادیانی، فریبا و حمیدرضا سوداگر (۱۳۹٦) «جهانی شدن، سیاست و سواد زیست‌محیطی : سیری تاریخی به مکاتب و نظریه‌پردازان محیط‌زیست»، **فصل‌نامهٔ علمی ترویجی محیط زیست**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۵۸: ٤۳-٥٦.

۱۲- شاهنوری، معصومه، محمدی شلمانی، مهشید و شیوا پیروی (۱۳۹۷) «بررسی عوامل موثر بر مشارکت در حفاظت از محیط زیست»، **مدیریت محیط زیست و توسعهٔ پایدار**، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۲ :۱-٤.

۱۳- صالحی، صادق و زهرا پازوکی نژاد (۱۳۹٦) **جامعه و تغییر آب و هوا**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱٤- صالحی، صادق و لقمان امامقلی (۱۳۹۰) «مطالعهٔ تجربی رابطهٔ آگاهی و رفتارهای محیط زیستی»، **دو فصل‌نامهٔ مسائل اجتماعی ایران**، دورهٔ ۳، شمارهٔ ۱: ۱۲۱-۱٤۷.

۱٥- صالحی، صادق و لقمان امامقلی (۱۳۹۸) «رسانه، فرهنگ و رفتارهای محیط زیستی (مطالعهٔ موردی: شهروندان سنندج)»، **جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر**، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱: ۷۱-٤۸.

۱٦- فائقی، سحر و مهرداد نوابخش (۱۳۹٦) «برساخت معنایی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کم آبی و خشکسالی زاینده رود (با تأکید بر پایداری شهری)»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، دورهٔ ۷، شمارهٔ ۲۲: ۷۳-۱۰٥.

۱۷- فروتن کیا، شهروز و عبدالرضا نواح (۱۳۹۷) **نظریه‌های محیط زیست**، تهران: اندیشه احسان.

۱۸- فرهمند، مهناز؛ شکوهی‌فر، کاوه و حامد سیار خلج (۱۳۹۳) «بررسی عوامل مؤثر بر رفتار محیط زیستی شهروندان یزد»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، ٤(۱۰): ۱۰۹-۱٤۲.

۱۹- قلی زاده شارون، سیده فاطمه؛ نوروزی، فیض‌اله و حسین دهقان (۱٤۰۰) «تمایل به مشارکت در حفاظت از محیط زیست و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی متولد دههٔ ۸۰ و دههٔ ٥۰)»، **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ٤۰: ۱۷٦-۲۰٦.

۲۰- کرایب، یان (۱۳۹۸) **نظریهٔ اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس**، ترجمهٔ عباس مخبر، تهران: آگه.

۲۱- گیدنز ، آنتونی (۱۳۹٤) **سیاست‌های مقابله با تغییرات آب و هوا**، ترجمهٔ صادق صالحی و شعبان محمدی، تهران : آگه.

۲۲- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۹) **پیامدهای مدرنیت**، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]

۲۳- لاپتون، دبورا (۱۳۸۲) «بیم و مدرنیزاسیون تأملی»، ترجمهٔ مریم رفعت جاه، **فصل‌نامهٔ فلسفی ارغنون**، شمارهٔ ۱۸: ۲۹۳-۳۱٦.

۲٤- مخدوم فرخنده، مجید (۱۳۹۲) «دیدگاه اجمالی محیط‌زیست کشور (شرایط و گرایش‌ها)»، **پژوهش‌های محیط‌زیست**، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۸: ۳۷ – ٤۲.

۲۵- وحیدا، فریدون؛ جعفری نیا، غلامرضا و صدیقه افروز (۱۳۹٦) «بررسی رابطهٔ فعالیت اجتماعی با رفتار محیط‌زیستی (مورد مطالعه: ساکنان شهر تهران)»، **فصل‌نامهٔ آموزش محیط زیست و توسعهٔ پایدار**، دورهٔ ۵، شمارهٔ ٤: ۱۱۳-۱۲۵.

26- Adorno, Theodor W. (1984) **Against Epistemology: A MetCritique; Studies in Husserl and the Phenomenological Antinomies**, Translated by: Willis Domingo, The MIT Press, Cambridge.

27- Danielle, Petherbridge (2011) **Axel Honneth: Critical Essays: With a Reply by Axel Honneth**, Boston: Brill Leiden.

28- Jazat, J, P., Ogunbode, T, O., Akande, J, A. (2023) «Assessment of sociological indices affecting environmental pollution in Iwo, Nigeria», **Environmental Quality Management,** 33(1), 157-164.

29- Junita, I., Kristine, F., Sherlywati., Deru Parayow, B, A. (2023) «Factors Affecting Students' Pro-environmental Behavior for Sustainable Development (A Case Study in An Indonesian University)», **Advances in Economics, Business and Management Research, Proceedings of the International Conference of Economics, Business, and Entrepreneur**: 315-326.

30- Larson, L., Stedman, R., Cooper, C and Decker, D. (2018) «Understanding the multi-dimensional structure of pro-environmental behavio», **Journal of Environmental Psychology**, 43:112-124.

31- Liu,Ch ., Xiao, Wen., LI, J and Pechacek, P. (2017) «Attitude of tourists visiting nature reserves in China», **Tourism Management Perspectives** 5:1-4.

32- Tikka Páivi M., Markku T. Kuitunen & Salla M. Tynys, (2000) «Effects of Educational Background on Students' Attitudes, Activity Levels, and Knowledge Concerning the Environment», **The Journal of Environmental Education**, 31(3), 12-19.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61186/scds.11.4.9]